



جعفر دامن پاک

«رقابت تنگاتنگ شرکت‌های عمده نفتی با شرکت‌های ملی نفت و شرکت‌های مستقل»

که در سال‌های آینده شرکت‌های کوچکتر سهم بیشتری از تولید نفت غیراوپک را در اختیار خواهند گرفت.

تولید نفت پنج شرکت عمده نفتی از اواسط دهه ۱۹۹۰ رو به کاهش گذاشت و از ۱۰/۲۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۶ به ۹/۷ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۶ رسید. در مقابل تولید بیست شرکت مستقل از ۱/۵۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۶ به ۲/۱۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت.

از سوی دیگر شرکت‌های ملی نفت نیز از سال ۱۹۹۴ در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی اکتشافی حضور فعالی داشته‌اند و حدود ۶۶ میلیارد دلار در بخشهای اکتشاف و توسعه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. شرکت‌های چینی در سال ۲۰۰۶ به تنهایی حدود ۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را در پروژه‌های مختلف در کشورهایی مثل روسیه، نیجریه و قزاقستان اعلام کرده‌اند که با ۵۹/۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری پنج شرکت عمده نفتی قابل مقایسه می‌باشد.

سرمایه‌گذاران در بورس وال استریت نیز این روند را تشخیص داده‌اند بنحوی که رشد ارزش سهام شرکت‌های ملی نفت (NOCs) نسبت به شرکت‌های بین‌المللی نفت (IOCS) بسیار سریعتر و بیشتر بوده است.

مؤسسه سیاست‌گذاری عمومی بیکر وابسته به دانشگاه ریس آمریکا در پژوهشی که با استفاده از آمارهای کمیسیون امنیت و سهام آمریکا (SEC) انجام شده، نشان داده که پنج شرکت عمده نفت جهان شامل اکسان‌موبیل، بی‌پی، شورون‌تگزاکو، شل و کونوکو فیلیپس علی‌رغم چهار برابر شدن میزان نقدینگی‌شان نسبت به اوایل دهه ۱۹۹۰، هزینه‌های کمتری را صرف امور اکتشافی کرده‌اند. طبق این پژوهش، پنج شرکت عمده نفتی در سال ۲۰۰۶ حدود ۵۶ درصد از افزایش نقدینگی خود را صرف خرید مجدد سهام و یا پرداخت سود سهام کرده‌اند که گرچه در کوتاه مدت برای سهامداران جذاب است ولی در دراز مدت موجب افزایش ریسک دسترسی به ذخایر برای این شرکت‌ها خواهد شد.

آمارهای SEC نشان می‌دهد که بیست شرکت مستقل نفتی (عمدتاً آمریکایی) نه تنها از این سیاست پیروی نکرده‌اند بلکه از سال ۱۹۹۸ هزینه‌های اکتشافی خود را افزایش نیز داده‌اند، بنحوی که هزینه‌های ایشان با کل هزینه‌های پنج شرکت عمده مذکور برابر می‌باشد، در حالیکه نقدینگی عملیاتی در اختیار پنج شرکت عمده نفتی ۳ برابر بیشتر از این بیست شرکت مذکور بوده است. این روند نشان می‌دهد

کاهش سرمایه‌گذاری پنج شرکت عمده نفتی نسبت به تولیدکنندگان عمده اوپیک موجب کاهش قدرت رقابتی این شرکت‌ها در بازارهای جهانی نفت در دهه آینده خواهد شد.

موج ادغام‌های شرکت‌های عمده نفتی در دهه ۱۹۹۰ نیز از نظر دسترسی به پروژه‌های بزرگ و پیچیده و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری با موفقیت کامل همراه نبوده است. توجیه چند شرکت عمده نفتی در سال ۱۹۹۸ برای ادغام، نیاز به کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی و افزایش میزان سرمایه برای برآورده ساختن نیازهای سرمایه‌ای پروژه‌های بسیار عظیم چند میلیارد دلاری در کشورهایمانند روسیه، ونزوئلا و عربستان سعودی بود. اما الگوی هزینه‌های سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها پس از ادغام افزایش چشمگیری را در هزینه‌های اکتشافی نسبت به سطوح قبل از ادغام نشان نمی‌دهد.

شاید تغییرات گسترده و مشکلات عمده سیاسی در چند کشور عمده تولیدکننده از جمله ونزوئلا و روسیه نیز منجر به تنگ‌تر شدن فضا برای حضور این شرکت‌ها در بخش بالادستی و انجام فعالیت‌های اکتشافی شده باشد.

علاوه بر این بنظر می‌رسد شرکت‌های عمده نفتی علیرغم اینکه عملکرد خود را مستقل از سیاست‌های کشورهای متبوع خود می‌دانند، اما سیاست توزیع بیشتر سود سهام به سهامداران که عمدتاً از اتباع کشورهای مصرف‌کننده می‌باشند، در زمان افزایش قیمت‌های جهانی نفت، نوعی سیاست توزیع مجدد درآمدها بوده و بعنوان ابزاری برای تثبیت شرایط اقتصادی داخلی این کشورها بکار گرفته شده است. افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای در بخش اکتشاف و جایگزینی ذخایر در بیست شرکت مستقل نفتی می‌تواند نشانگر این مسئله باشد که گرچه شرکت‌های عمده نفتی از طریق ادغام و تملک و حجم عظیم گردش مالی، امکان سرمایه‌گذاری‌های بسیار عظیم را دارند اما پتانسیل‌های جدید اکتشافی نسبت به چند دهه قبل بسیار کوچکتر بوده و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کمتر دارند و راه را برای حضور شرکت‌های کوچکتر و مستقل هموار کرده‌اند.

گذشتن ارزش بازاری شرکت نفتی پتروچاینا (شرکت فرعی CNPC چین) از مرز یک تریلیون دلار در بازار بورس شانگهای و تبدیل آن به بزرگترین شرکت دنیا از نظر ارزش بازاری موجب دگرگون شدن معنای شرکت‌های عمده شده است. گرچه تحلیلگران نسبت به تبدیل این قدرت مالی در زمینه افزایش تولید فرآورده‌های انرژی از سوی این شرکت و تغییر نقش چین در اقتصاد جهانی تردید دارند، اما ارزش بازاری شرکت پتروچاینا در حال حاضر از مجموع ارزش دو شرکت بزرگ جهان یعنی اکسان‌موبیل و جنرال‌الکتریک بیشتر است و این شرکت اینک بزرگترین تولیدکننده نفت در چین محسوب می‌شود. البته درآمد پتروچاینا حدود یک چهارم و ذخایر

نفت و گاز آن نیز بسیار کمتر از شرکت اکسان‌موبیل می‌باشد. میزان ذخائر از جمله عوامل کلیدی مورد نظر سرمایه‌گذاران در خصوص تصمیم‌گیری نسبت به آینده شرکت‌های نفتی است. در سالهای اخیر نرخ رشد ذخایر پتروچاینا سالانه پنج درصد بوده که بیشتر از اکسان‌موبیل و سایر شرکت‌های عمده نفتی بوده است.

با این حال کارشناسان بدنبال درک برنامه‌های پتروچاینا در مورد نحوه استفاده از این قدرت عظیم مالی می‌باشند. در این خصوص پتروچاینا نتایج برخی فعالیت‌های اکتشافی و نیز برنامه خود برای سرمایه‌گذاری در برخی از پروژه‌های نفت و گاز را اعلام کرده است. اخیراً این شرکت سرمایه‌گذاری در میدان عظیم گازی در شمال غرب منطقه سین کیانگ را اعلام کرد. در ابتدای سال ۲۰۰۶ نیز پتروچاینا اعلام کرد که تا سال ۲۰۱۲ مبلغ ۵/۲ میلیارد دلار برای توسعه بزرگترین اکتشاف نفتی کشور یعنی میدان جیدونگ ناپو واقع در شمال منطقه خلیج بوهایی سرمایه‌گذاری خواهد کرد. دولت چین که نگران رشد وابستگی این کشور به واردات نفت می‌باشد نیز شرکت‌های دولتی نفتی این کشور را جهت سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در زمینه اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز تحت فشار قرار داده است. اما انجام این کار نیازمند منابع مالی فراوان است.

از طرف دیگر اگر پتروچاینا در تولید بیشتر نفت برای اقتصاد چین موفق عمل کند موجب کاهش فشار بر بازارهای جهانی انرژی نیز خواهد شد. اما پتروچاینا با مشکلات بسیار زیادی روبروست که رقابتی او در کشورهای توسعه یافته با آن مواجه نیستند. یکی از مهمترین این مشکلات، سیاست تثبیت قیمت فرآورده‌های نفتی و پایین نگه داشتن مصنوعی قیمت‌ها در کشور چین است، بگونه‌ای که بخش پالایش پتروچاینا متحمل زیان چندین میلیون دلاری می‌گردد و تحقق سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌تر پتروچاینا را با ابهام روبرو می‌کند.

از سوی دیگر فروش درصد سهام پتروچاینا (که در اختیار سرمایه‌گذار معروف بنام "وارن بافت" بود در تابستان و پاییز گذشته توسط شرکت BH در بازار بورس هنگ کنگ که به قیمت ۳/۳ میلیارد دلار، موجب نگرانی‌هایی نسبت به آینده پتروچاینا شده است. البته وی اعلام کرده که این تصمیم را با توجه به شرایط بازار گرفته و هرگونه فشاری را در این زمینه رد کرده است. علاوه بر این گروه سرمایه‌گذاری فیدلیتی نیز در ابتدای امسال، ۹۰ درصد از ۴/۵ میلیون سهام پتروچاینا را که در اختیار داشت در بازار بورس نیویورک به فروش رساند. مقامات این گروه نیز، تصمیم به فروش سهام پتروچاینا را با توجه به شرایط بازار دانسته‌اند اما بنظر می‌رسد که با توجه به فعالیت‌های CNPC (شرکت مادر پتروچاینا) در سودان و سایر کشورهایی که بنحوی روابط حسنه‌ای با غرب ندارند، احتمال مواجهه پتروچاینا با فشارهای بین‌المللی گسترده، این شرکت را با آینده‌ای ابهام آلود مواجه نموده و این مساله صدرنشینی پتروچاینا در آینده را با تردید روبرو می‌کند.